

| یادداشت |

# علت تحریم‌های نفتی و بانکی چه بود؟

تحلیلی درباره ارتباط تحریم‌ها و فتنه ۸۸

موضوع ارتباط تحریم‌ها و ایجاد فتنه،  
 واضح تر از آن است که کسی در صدد  
 انکار آن برآید. فتنه گران، سال ۸۸ از  
 ترس تسليم شدن غرب در قبال ایران  
 در موضوع هسته‌ای، فتنه زشت را  
 راه انداختند تا دشمن را به طمع اندادن  
 و روند عقب نشینی آنها در مقابل ملت  
 ایران را به تعویق بیندازند

خرداد ماه ۱۳۸۷ خاویر سولانا طی سفری به تهران  
 طرح موسوم به «فریز در مقابل فریز» را پیشنهاد داد.

که این موضوع، حاکی از اذعان طرف مقابل به مفاهیمه و بازی  
 برد - برد با ایران بود. به عبارتی طرف مقابل با اذعان به حقوق  
 هسته‌ای کشورمان، خواستار توافق تحریم‌ها و همزمان توقف  
 رشد فعالیت‌های هسته‌ای ایران شده بود. این پیشنهاد، به خوبی

وضعیت جمهوری اسلامی در آن برهه را نشان می‌داد. تقریباً  
 همزمان با این طرح، خبرهایی درباره نامه‌ی ریس جمهور آمریکا  
 به رهبر معظم انقلاب برای مذاکره مستقیم منتشر شد. اما درست  
 یک سال بعد، در خرداد ۸۸ فتنه گران، به بهانه‌ی دروغ زشت  
 تقلب، علی‌رغم وجود سازوکارهای قانونی، به خیابان‌ها ریخته و  
 ۸ ماه وضعیت تهران را ناآرام کردند. نالمی در برخی خیابان‌های  
 تهران باعث شد روند کوتاه آمدن آمریکا در قبال ایران هسته‌ای،  
 وضعیت معکوس بگیرد. به طوریکه یک سال پس از آن در خرداد  
 ۸۹، اینبار تحریم‌های قطعنامه ۱۹۲۹، علی‌رغم این اعمال  
 شد و متعاقب آن موجی از تحریم‌های یکجانبه آغاز گشت. این

تحریم‌ها اصلی ترین تحریم‌های آمریکایی‌ها علی‌رغم ایران  
 بود. بر اساس این تحریم‌ها، آمریکایی‌ها صنعت نفت و بانکداری  
 کشورمان را به عنوان بازوی‌های فعالیت‌های هسته‌ای تلقی کرده و  
 تحریم‌های نفتی و بانکی اعمال شد و این مهمترین و شدیدترین  
 تحریم از سوی ایالات متحده آمریکا بود. دلیل این تغییر رفتار  
 آمریکایی‌ها با ایران، به فاصله یک سال کاملاً قابل درک است.

روزنامه‌ی وال استریت ژورنال در مقاله‌ای در همان زمان نوشت:  
 «باید تحریم‌ها بر موضوع معیشت، متمرکز شود تا شورش‌های

خیابانی در تهران احیاء گردد». هم افزایی داخلی و خارجی در  
 موضوع تحریم و آشوب، اتفاق پنهانی نیست. باراک اوباما که تا

مازکره مستقیم مقامات ۲ کشور بود، پس از انتخابات و راه اندازی

آشوب توسط فتنه گران در تهران می‌گوید: «به نظر، نمی‌رسد  
 ایران از نظر سیاسی آنقدر وضع ثابتی داشته باشد که بتواند  
 درباره مسأله‌ی هسته‌ای تصمیم‌های سریع اتخاذ کند». کیم آر  
 هولمز تحلیلگر ارشد نشریه واشنگتن تایمز، حدود ۲ ماه پیش از

قطعنامه ۱۹۲۹ در سرمهقاله این نشریه نوشت: «تحریم به تهایی  
 کافی نیست. ما باید دیپلماسی عمومی را به نقض حقوق بشر در

ایران متمرکز کنیم. جمهوری اسلامی به دلیل وجود اپوزیسیون  
 داخلی چار نقاط ضعف شده و باید بر این نقطه فشار وارد کرد.»

روزنامه‌ی آلمانی «ولت» نیز چند هفته قبل از تحریم ۱۹۲۹ نوشت:

## ۹ دی حقیقت ۹ دی رهنمود

۹ دی حقیقت ۹ دی

عمل صالح این بود که توی خیابان ببایند، نشان بدهند، بگویند مردم ایران اینند. با این حرکت مردم، آن حجم عظیم تبلیغات دشمن که می‌خواست فتنه‌گران را مردم ایران معرفی کند و اینجور نشان بدهد که مردم ایران از انقلابشان، از نظمشان برگشتند، بلکی نقش بر آب شد؛ یعنی مردم نشان دادند که این، مردم ایران است. تحلیلگران خارجی وقتی نگاه کردند، گفتند از بعد از رحلت امام بزرگوار، یا شاید بعضی گفتند از بعد از حرکات اول انقلاب، هیچ اجتماعی با این بزرگی، با این تپش، با این شور و هیجان وجود نداشته، که مردم وارد میدان شدند. این، حقیقت ۹ دی است.

بیانات در دیدار اعضای ستاد بزرگداشت ۹ دی - ۹۰/۹/۲۱

باز هم حسین علیه السلام...

ضمناً توجه داشته باشید؛ یکی از خصوصیات دیگری که در حادثه‌ی ۹ دی هست، که باز آن را کاملاً به حوادث انقلاب نزدیک می‌کند، مسئله‌ی عاشراست. یعنی در حوادث اول انقلاب هم محترم پیش آمد و امام آن نکته‌ی عظیم عجیب تاریخی را بیان کردند: «ماهی که خون بر شمشیر پیروز است». این حرف کوچکی نیست: پیروزی خون بر شمشیر. ماه‌ها عادت کردند، این حرفا را هی تکرار می‌کنیم، کائنه عمقش گاهی از یادمان می‌ورد. خون بر شمشیر پیروز می‌شود، مظلوم بر ظالم فائق می‌آید، کشته بر کشنه فائق می‌آید؛ این همان چیزی است که در عاشرها پیش آمد. امام این را در محترم سال ۵۷ مطرح کردند، در قضیه‌ی ۹ دی هم باز پای امام حسین در میان بود، پای عاشورا در میان بود. اگر آن حرکات سخيف و در واقع گریه‌آور از سوی این گروه‌های ایضاً سخيف، در عاشرها پیش نمی‌آمد، این حرکت عظیم و این تحرک عمومی مردم معلوم نبود به این شکل به وجود بیاید. اینجا هم پای عاشرها در میان بود.

بیانات در دیدار اعضای ستاد بزرگداشت ۹ دی - ۹۰/۹/۲۱

معجزه‌ی ایمان دینی

ایمان دینی، آن معجزه‌گری است که قادر است اولاً همه‌ی مردم را بسیج کند و بیاورد، ثانیاً آنها را در صحنه نگه دارد، و ثالثاً سختی‌ها را برای آنها هموار و آسان کند؛ هیچ ایمان دیگری این خصوصیت را ندارد. ایمان دینی می‌گوید شما اگر چنانچه فائق شدید و پیش بردید، پیروزید؛ اگر کشته هم شدید، پیروزید؛ اگر زندان هم افتادید، پیروزید؛ چون به وظیفه عمل کردید. وقتی کسی یک چنین اعتقاد و ایمانی داشت، دیگر شکست برایش معنا ندارد؛ لذا وارد میدان می‌شود. این همان عاملی است که در صدر اسلام هم اثر کرد، در انقلاب ما هم اثر کرد؛ ۹ دی این را نشان داد. ۹ دی یک نمونه‌ای بود از همان خصوصیتی که در خود انقلاب وجود داشت؛ یعنی مردم احساس وظیفه‌ی دینی کردند و دنبال این وظیفه، عمل صالح خودشان را انجام دادند.

بیانات در دیدار اعضای ستاد بزرگداشت ۹ دی - ۹۰/۹/۲۱

۹ دی حادثه‌ای شبیه اول انقلاب

فتنه‌ی ۸۸ تنها آن چیزی نبود که توی خیابان به وسیله‌ی تعدادی آدم دیده شد؛ این یک چیز ریشه‌داری بود، یک بیماری عمیقی درست کرد که بودند، اهدافی داشتند، زمینه‌ها و مقدمات فراوانی برایش چیده شده بود، کارهای بزرگی شده بود و هدف‌های بسیار خطرناکی دنبال این کار بود، که با این برخوردهای گوناگون سیاسی و امنیتی و اینها حل نمی‌شد؛ یک حرکت عظیم مردمی لازم داشت؛ که این حرکت، حرکت ۹ دی بود؛ آمدند بسیط فتنه و فتنه‌گران را در هم پیچیدند. لذا حادثه‌ی ۹ دی یک حادثه‌ی ماندنی در تاریخ ماست. من آن سال هم گفتم - پارسال بود یا پیرا رسال بود - که این حادثه، حادثه‌ی کوچکی نیست. این حادثه، شبیه حادثه اول انقلاب است. این حادثه باستی حفظ شود، باستی گرامی داشته شود.

بیانات در دیدار اعضای ستاد بزرگداشت ۹ دی - ۹۰/۹/۲۱





اسخن ا

## اینجا هم پای عاشرورا در میان بود...

تاریخ را باید میلی متری خواند!  
هر زمان، «برخاستن»ی  
(بخوانید: نهضت!) شکل گرفته؛  
پایی یک روز در میان بوده  
است...  
زینب کبری سلام الله علیها،  
وقتی بدن پاره پاره شده ی  
برادر را در آن قبله گاه عشق  
و محبت و فداکاری و مجاهدت،  
بر روی زمین افتاده دید، دست  
ها را زیر بدن برد و سر را به  
طرف آسمان بلند کرد و فریاد  
زد:  
باراله! این قربانی را از ما قبول  
کن!

او می دانست خاطره آن خون جوشند، سیلاپ شهادت و فداکاری را  
در طول تاریخ، در سرمیں دل انسان های مسلمان به راه خواهد  
افکند، و افکند! از روز دهم محرم - عاشورا - این موج خروشان  
همچنان در طول تاریخ ادامه داشته است.

بر اثر خون شهیدان، قدرت های طاغوتی بسیاری سرنگون شد. قدرت  
طاغوتی بنی امیه و قدرت های بسیاری از بنی عباس، با تکان شدید  
این طوفان بنیان افکن ستم، به کلی نابود و ویران شد. حکومت های  
بسیاری در سرمیں های اسلامی پدید آمد و اسلام ماند و تشیع به  
عنوان رگه ی پر تنش و هیجان آفرین اسلام باقی ماند.

«هرچه حکومت های طاغوتی در توان داشتن، کوشیدند؛ اما از صد  
سال پیش تا امروز، از روزگار سیدجمال الدین اسدآبادی و میرزا  
حسن شیرازی - آن علمای بزرگ دین - تا روزگار علمای بزرگی  
که جنبش مشروطیت را پیختند، و تا روزگار میرزا کوچک خان  
جنگلی - آن روحانی بزرگوار، آن چریک اسلامی و آن بنیان گذار  
جنبش مسلحانه در ایران - و تا روزگار سیدحسن مدرس و شهید  
نواب صفوی و فداییان اسلام، و تا نهضت ملی و تا لاله زار خونین  
پانزدهم خداداد سال ۱۳۴۲، همه جا نبض خون حسین علیه السلام  
بود که می تپید و قلب شهیدان بود که میزد و پیکر عظیم جامعه‌ی  
اسلامی را تحرک و تلاش در می آورد.» ۱۳۵۹/۰۱/۱۰

این بار نیز «برخاستن»ی نیاز بود...  
در قضیه‌ی ۹ دی هم باز پای امام حسین در میان بود، پای عاشورا  
در میان بود. اگر آن حرکات سخیف و در واقع گریه‌آور از سوی این  
گروههای ایضا سخیف، در عاشورا پیش نمی‌آمد، این حرکت عظیم  
و این تحرک عمومی مردم معلوم نبود به این شکل به وجود باید.  
اینجا هم پای عاشورا در میان بود.» ۹۰/۹/۲۱

اسخن ا

## منطق، ادب و بخشید...

منطق خیلی علم خوبیست! من منطق را دوست دارم! ما به منطق نیاز داریم! ای کاش همه  
ما کمی منطق بلد بودیم...!  
خب، بیاید کمی منطق بیاموزیم:  
از طریق اهمال در شرایط استدلال استقرایی پدید می‌آید که موضوع آن سرایت حکم یک امر  
به امر دیگر باشد بدون آن که شباهت کاملی میان آنها وجود داشته باشد. به این پدیده قیاس  
مع الفارق می‌گویند یا مغالطه تمثیل و یا همان مقایسه نادرست خودمان!

اما مسال در دهه اول ماه محرم این سخن شنیده شد که:

«اگر اهمال و گناهی هم بوده باید گذشت کنیم و به تفرقه دامن نزنیم، ماتابع همان حسین بن  
علی (ع) هستیم که توبه حراهم قبول کرد و پذیرفت... درس ایعبداللهالحسین [علیه السلام]  
به ما درس برادری، وحدت، گذشت و قبول توبه از یکدیگر بوده است...»  
خب! آیا گوینده ای این سخنان قصد سخنرانی مذهبی داشتند و خواستند و اندرز بی  
غرضی بدهند؟! پس و پیش سخنان ایشان چنین موردی را تأیید نمی‌کند. کماینکه این  
صحبت‌هارا بایستی کنار قرائی موجود در زمان طرح بررسی کرد. نامه تهدید آمیز یک نماینده  
مجلس (رحمت الله علی ابیه) درخواست برای رفع حصر سران فتنه و فشار اپوسیون  
و رسانه‌های بیگانه برای حصول این موضوع، این امر را تداعی می‌کند که قصد گوینده ای  
این سخنان از طرح موضوع متروکه، تلمیحی به جریان رفع حصر سران فتنه بوده است...  
متأسفانه.

اما چرا تشییه این دو موضوع به یکدیگر (یعنی جریان توبه جناب حروم رفع حصر سران فتنه)  
قیاسی مع الفارق یا یک مغالطه تمثیلی و یا همان مقایسه نادرست خودمان است؟!

(اول) باید گفت که جناب حرمیچ گاه با حضرت سیدالشهدا علیه السلام نجندید! گناه بزرگ جناب  
حر سد کردن راه امام بود و نه مبارزه و محاربه با ایشان. ضمن اینکه جناب حرمیچ گاه در  
مناسبات و تعاملات خود با امام جانب ادب و احترام را رهنا نکردن؛ حر نماز جماعت لشگرش  
را تعطیل کرد و به صفوی مأمورین امام حسین علیه السلام پیوست. حر در مقابل «سکلتک  
امک» امام سکوت کرد و حرمت حضرت صدیقه طاهره را در بیان هتك نکرد... حال بماند  
که پری راه نیست این که بگوییم اصلی‌ترین و بزرگ‌ترین وجه افتراق این دو موضوع همین  
«ادب» است...

(دوم) باید گفت که خواهش می‌کنیم اگر جایی توبه‌ای از سران فتنه سراج دارید به ما هم بگوییدا

اصرار و پافشاری بر ادعاهای تهمت‌ها و پشیمان نشدن از محاربه‌شان، نامش توبه است؟!  
ضمن اینکه خداوندر حريم و تواب در آیه ۱۶۰ سوره بقره بعد از اشاره به گناه بزرگ کتمان آیات  
الهی و مجازات سخت آنها می‌فرماید: «الا الذين تابوا و اصلاحوا و بینوا فاولنک اتوب عليهم و  
انا التائب الرحيم؛ مگر کسانی که توبه کنند و اصلاح نمایند و آنچه را کتمان کرده بودند آشکار  
سازند که من توبه آنها را می‌پذیرم، و من تواب رحیم هستم.» جناب حری که توبه کرد؛  
پای توبه‌اش ایستاد و در تاریخ آمده است که بارها با عمر سعد ملعون مشاجره کرد و قصد آگاه  
سازی لشگر و روشن کردن ماجرا را داشت و نهایتاً روز عاشورا به صف دشمنان سیدالشهدا  
تاخت و توبه‌اش را با بذل جانش تکمیل کرد. خب مسیر توبه بازست؟ بسم الله!

بناند که گفته اند جناب حر در حالی برای عرض توبه و اظهار پشیمانی و جبران مافات به سوی  
عالی درخواست می‌کنم که به قوه قضائیه دستور بدھید که این موضوع را تمام کنند. اگر لازم است  
مام روانه شد که سر به زیر بود و کفشهایش را به گردش آویخته بود...

(سوم) سوای از این موارد؛ به فرض محل هم که سران فتنه توبه کردن! در کجا علم حقوق آمده  
است که مجرم با توبه و پشیمانی از مجازات مصون می‌ماند؟ من قاتلی را می‌شناختم که گفت  
پشیمانی و توبه می‌کنم و چند بار گفت بخشید! بماند که معتقدم حقیقتاً به درگاه الهی توبه  
کرد و انشالله که توبه‌اش پذیرفته شود- لکن پس از اظهار پشیمانی و توبه محکوم به اعدام و  
مستحق اشد مجازات دانسته شد...

# الشیوه

انس باولی - شماره ۵۸  
ویژه نامه‌ی گرامیداشت حماسه يوم الله ۹ دی  
قیمت : ۲۰۰ تومان  
گروه فرهنگی یاران خمینی (ره)  
دی ماه ۱۳۹۳

اسخن ا

## چرا محاکمه نمی‌شوند؟

اگر راست می‌گویید آنها را محاکمه کنید تا از خود دفاع کنند!

سوالت بالا بهمات و شباهتی است که از افراد مختلفی با گرایش‌های سیاسی مختلف شنیده می‌شود.  
کسانی که هنوز دم از حمایت از سران فتنه می‌زنند با ساده سازی و تخفیف فتنه  
و به ظاهر استقبال از محاکمه سران داخلی آن، زمینه رفع حصر آنان را فراهم کند. در نقطه مقابل  
این جریان، نیروهای علاقه مند به نظام و انقلاب قرار دارند که با جدیت به دنبال محاکمه واقعی  
سران فتنه و اعدام آنها هستند. اما نظام تاکنون به حصر آنها بسنده کرده و هنوز محاکمه یا دادگاهی  
صورت نگرفته است. اما چرا؟

الف- لزوم مطالبه‌ی عمومی

نظام اسلامی برخلاف نظام های استبدادی که مخالفان خود را باندک بهانه ای به شدت و سخت  
مجازات و سرکوب می‌کنند؛ در ماجراهی فتنه بنای خود را بر اقناع افکار عمومی نهاده است. یعنی  
نظام معتقد است سران داخلی فتنه قبل از دادگاه باید نزد و جدان عمومی جامعه محاکمه و مجازات  
آنها تعیین شود. واقعیت این است که به رغم موج گسترده‌ای که برای محاکمه سران فتنه وجود دارد  
و در ۹ دی ۸۸ هم به نمایش درآمد، این موضوع به مطالبه‌ی ای همگانی تبدیل شده و هنوز هستند  
کسانی که به عمق خسارت ها و ظلمی که به نظام وارد شده واقف نیستند. فتنه سال ۸۸ جنسی  
از نوع جنگ نرم بود و تشخیص دشمن و میزان خسارت های ناشی از اقدامات او در چنین نبردی،  
متغایرت است از نبرد نظامی که خط دشمن با چشم قابل تشخیص است و دشمنی او از خون هایی  
که بواسطه سلاح های او ریخته می شود و خانه هایی که ویران می شود بر همگان آشکار و بی نیاز  
از توضیح و استدلال.

ب- ملاحظت نظام

واخر خرداد امسال بود که یکی از نماینده‌گان مجلس از دیدار برخی نماینده‌گان با رهبر انقلاب خبر  
داد. در همان ایام علی مطهری در مصاحبه‌ای که در تاریخ ۹۳/۴/۸ با خبرآنلاین داشت به شرح  
گفتگوی خود را رهبر انقلاب در آن دیدار پرداخت. وی گفت: سه هفته پیش از طرف فراکسیون  
شاهد مجلس یعنی فراکسیونی که شامل نماینده‌گان فرزند شهید می‌شود اعلام شد که وقت ملاقاتی  
با رهبر معظم انقلاب گرفته شده، من هم همراه فراکسیون رفتم... چند نفر صحبت کردن و مقام  
رهبری در ارتباط با صحبت آنها مطالبی گفتند. من هم درخواست وقت کردم و دو مطلب را گفتم،  
یک مطلب فرهنگی و دیگر درباره مسئله حصر خانگی. گفت از نظر من و سیاری از افراد، ادامه حصر  
خانگی آقایان موسوی و کروبی به نفع کشور و انقلاب نیست و ضرورتی ندارد. اگر یکی از این دو در  
این حال از دنیا برود، مسئله به صورت یک غنه چرکین برای جمهوری اسلامی باقی ماند. از جناب  
عالی درخواست می‌کنم که به قوه قضائیه دستور بدھید که این موضوع را تمام کنند. اگر لازم است  
مام روانه شد که سر به زیر بود و کفشهایش را به گردش آویخته بود...

بنابر این دلیل دوم هم می‌تواند این باشد که اگر تاکنون دادگاهی تشکیل نشده تا به جرم سران  
فتنه رسیدگی کند به دلیل ملاحظت و گذشت نظام درخصوص جرم های صورت گرفته نسبت به  
خود است!

جمهوری اسلامی ایران

دوفد: فته  
۸۸

شنبه ۱۳۹۳